



بخشی از گفت‌وگو

گفت‌وگو از حسین غفاری  
کارشناس سواد رسانه‌ایگفت‌وگو با حجت‌الاسلام عباس صالحی  
معلم و کارشناس سواد رسانه

تربیت فناورانه

# تربیت رسانه‌ای به رنگ خدا

کامل این گفت‌وگو را در ضمیمه این صفحه مشاهده فرمایید.

در شروع گفت‌وگو بفرمایید از نظر شما چه ملاحظاتی برای تثبیت تربیت دینی در فضای رسانه‌ای و رشد و اعتلای آن وجود دارد؟

به‌نام خداوند بخشنده‌مهربان به نظر من رکن تحقق تربیت رسانه‌ای در ساحت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، شناخت و رعایت «الزامات حضور» در فضای رسانه است. «حضور» در اینجا اعم از ورود، استفاده، مشاهده یا عضویت است. یعنی قبل از اینکه کسی وارد فضای رسانه بشود، مثل تماشای فیلم و انیمیشن و گوش کردن به موسیقی و انجام‌دادن بازی یا استفاده از اینترنت، الزامات حضور و قوانین و شرایط آن را بداند.

معمولاً این الزامات حضور را به چهار دسته تقسیم می‌کنند: الزامات عقلانی، قانونی، شرعی و اخلاقی. هر چند که در ظاهر دو الزام «شرعی» و «اخلاقی» به این ساحت مربوط می‌شود، اما در بسیاری کشورها مثل ایران، «قانون» هم جدای از الزامات دینی نیست و از آن پشتیبانی می‌کند. حتی در آمریکا و برخی کشورهای دیگر هم نوشتن قوانین متأثر از فرهنگ دینی آن سرزمین است. الزامات «عقلی» هم می‌تواند مؤید و مکمل تربیت دینی بشود.

اشاره

ساحت «اعتقادی، عبادی و اخلاقی» تعلیم و تربیت در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، اولین ساحت شش‌گانه تربیتی انسان عنوان شده است. آرمان «تربیت رسانه‌ای» پرداختن به نقاط تلاقی رسانه‌ها و ساحت‌های تربیتی است؛ به نحوی که به رشد همه‌جانبه‌تریان منجر شود.

برای کنکاش در ابعاد و زوایای تلاقی رسانه‌ها و این ساحت از تعلیم و تربیت، باید به سراغ کارشناسانی برویم که هم در موضوعات دینی و عقیدتی خیره باشند و هم دنیای رسانه‌ها و ابتلائات کودکان و نوجوانان در آن را به خوبی بشناسند.

حجت‌الاسلام عباس صالحی، دانش‌آموخته سطح سه حوزه علمیه قم و کارشناس تاریخ اسلام است. اما در ده سال گذشته به چهره‌ای شناخته‌شده در حوزه آموزش سواد رسانه‌ای تبدیل شده است. مسئولیت تدوین «نظام‌نامه رده‌بندی سنی پویانمایی» برای رسانه‌ها و سامانه‌های مجازی، او را بیش از هر چیز با تحلیل محتوای رسانه‌ها درگیر کرده است. ایشان در حال حاضر مسئول آموزش «آکادمی کهکشان» با هدف آموزش رسانه و سواد رسانه به جوانان و نوجوانان است.

گفت‌وگوی یک ساعته ما با حجت‌الاسلام صالحی در فضای مجازی و بر بستر یک سامانه خوب ایرانی انجام شد که می‌توانید صوت

الزام شرعی، به بیان دیگر، همان الزام به احکام الهی است. در سند تحول هم آموزش «احکام» به عنوان یک گام ابتدایی در تربیت اعتقادی، عبادی مورد توجه قرار گرفته است. مثلاً در حوزه رسانه، شناخت احکام غیبت یا تهمت باید مدنظر قرار بگیرد. در گفت‌وگوها و کانال‌های مجازی، غیبت چه تعریفی دارد؟ آیا ممکن است انتشار کاریکاتور تهمت محسوب بشود یا نه؟

### منظور تان الزامات حضور برای مصرف‌کنندگان رسانه است یا تولیدکنندگان پیام‌های رسانه‌ای؟

صرف حضور ملاک است. چه تولیدکننده و چه مصرف‌کننده. هر چند که احکام افراد با هم متفاوت است. مثل تفاوت احکام امام جماعت با سایر افرادی که در نماز جماعت حاضر می‌شوند. شاید احکام این دو گروه با هم فرق داشته باشند، اما نکته مشترک آن است که هر دو باید احکامی را بلد باشند.

### به نظر می‌رسد در زمینه آموزش این احکام ما خیلی عقب هستیم. عمده کاربران رسانه‌های مجازی و غیرمجازی این احکام را نمی‌شناسند و رعایت نمی‌کنند. علت آن را چه می‌دانید؟

آموزش و فرهنگ‌سازی این الزامات حضور در سطح دانش‌آموزی بر عهده نهاد مدرسه و معلم است. موانعی در این زمینه وجود دارند که من چهار مورد از آنها را شناسایی کرده‌ام که به ترتیب عرض می‌کنم. مانع اول «تولید نشدن علم و محتوا» است. در حوزه احکام، حوزه علمیه باید محتوایی مدون و کاربردی برای فضای رسانه تولید کند. هر چند که کتاب‌های پراکنده‌ای در این موضوع وجود دارند، اما نمی‌توانند به‌عنوان رساله عملیه مورد توجه قرار بگیرند. عمده سؤال‌ها و جواب‌های مطرح‌شده در این کتاب‌ها هم قدیمی و به دهه‌های هفتاد و هشتاد مربوط‌اند. درباره ابزارها و بازی‌ها احکام پراکنده وجود دارند که الان اصلاً مبتلا به نوجوانان نیستند. طبیعی است در این شرایط معلمان و مربیان مجبور می‌شوند خودشان برخی احکام را همانندسازی کنند. مثلاً نگاه کردن به یک شخص با نگاه کردن به تصویر او در اینترنت را همانندسازی می‌کنند.

### یعنی احکام‌سازی می‌کنند؟!

بله و حتی اخلاق‌سازی می‌کنند! مثلاً در مواجهه با غیبت در یک جمع حقیقی، اخلاق حکم می‌کند شما به دفاع از شخص غیبت‌شونده بپردازید. همین را منتقل می‌کنند به فضای مجازی و بحث‌ها و جدل‌های طولانی درمی‌گیرد. در صورتی که ممکن است عمل اخلاقی در فضای مجازی ملاحظاتی دیگری داشته باشد. مدیر گروه مجازی با اعضای همان گروه، حکمشان و حتی رفتار اخلاقی‌شان متفاوت است.

### با توجه به کمبودی که در تولید محتوای احکام وجود دارد، الان مخاطب چه باید بکند؟

در قدم اول خانواده‌ها و معلمان و دانش‌آموزان باید بدانند برای حضور در فضای رسانه‌ها احکامی وجود دارد. در قدم دوم باید فرهنگ سؤال پرسیدن یا همان استفتا همه‌گیر شود. یعنی هر مکلفی به سراغ مرجع تقلید خودش برود و درباره مسائل رسانه‌ای استفتا کند. چون بین مراجع هم تفاوت‌هایی در این احکام وجود دارد، لازم است هر کسی به مرجع تقلید خودش مراجعه کند. مثلاً حکم خرید و فروش یا شرط‌بندی در بازی‌های دیجیتال چیست؟ حکم استفاده مشترک از یک نام کاربری در یک سامانه پخش ویدیویی چیست؟ هر چند اکنون در لایه‌های استفتائات برخی موارد مطرح شده‌اند، اما منسجم نیستند. این مراجعات به تدریج به تولید علم و ایجاد بخشی مجزا و متمایز در دفتر مراجع برای حوزه رسانه منجر خواهد شد.

### آیا فقط همین تولید محتوا به تربیت اعتقادی و اخلاقی منجر خواهد شد؟

خیر. دومین مانع «نبودن استادان متبحر در حوزه دین و رسانه» است. حتی با فرض اینکه کتاب و محتوای آموزش مناسبی در حوزه احکام و اخلاق داشته باشیم، باز هم کمبود معلم و مربی مسلط به هر دو حوزه دین و رسانه احساس می‌شود. دقیقاً مشابه مشکلی که بعد از تألیف کتاب «تفکر و سواد رسانه‌ای» پیش آمد و معلم مربوط به آن وجود نداشت و تربیت نشد.

به نظر می‌رسد، رویکرد صحیح آموزش و پرورش باید این باشد که معلمان دینی و قرآن و مربیان پرورشی را تبدیل کند به افرادی که رسانه را هم با تمام ابعاد تربیتی آن می‌فهمند. معلمان اندکی را هم که وارد عرصه سواد رسانه‌ای شده‌اند باید با حوزه دین و احکام رسانه آشنا کرد. قرار نیست معلم سواد رسانه‌ای، دینی و احکام تدریس کند. اما باید چنان به مسائل آشنا باشد که حدود شرعی و اخلاقی رسانه را بفهمد و مراعات کند. فرض کنیم در هر مدرسه فقط یک معلم با این ویژگی داشته باشیم. این می‌تواند شروع یک تحول بزرگ باشد. بچه‌ها، علاوه بر اینکه احکام و اخلاق رسانه را می‌آموزند، به یک الگوی عملی یعنی همان معلم دسترسی خواهند داشت.

### بعد از ردیف کردن قافیه محتوا و مربی، چه کار دیگری باید بکنیم؟

مانع سوم تحقق تربیت رسانه‌ای در حوزه اعتقادی و عبادی، «اولویت ندادن به آموزش خانواده» است. خداوند تربیت را بر عهده نهاد خانواده گذاشته است؛ نه نهاد مدرسه و نهاد جامعه و نه حتی نهاد مسجد! «امان - بابا» هستند که باید تربیت کنند. همه ما مبلغان و روحانیان و معلمان و مربیان باید نگاهمان به خانواده باشد که در مسیر تربیت رسانه‌ای کجا قرار دارد تا بتوانیم کامل‌کننده کار او باشیم. اگر آموزش و پرورش می‌خواهد روی دانش‌آموز تأثیر بگذارد، در اولین قدم باید روی خانواده او تأثیر بگذارد. خانواده‌ای که هنوز الزامات حضور، احکام حضور و اخلاق حضور را رعایت نمی‌کند، چه توقعی داریم که بچه‌ها رعایت کنند؟!

رسانه‌ای» است. برای تثبیت آموزه‌های دینی و عمل به دستورات شرعی، استمرار بسیار مهم است؛ من المهدی الی اللحد (از تولد تا مرگ).

### استمرار در آموزش یا استمرار در پابندی؟

هر دو! ما در حوزه آموزش متأسفانه به جرقه و تلنگر اکتفا کرده‌ایم. ممکن است برای فرهنگ‌سازی بتوان به راهبرد «گفتن و رد شدن» اکتفا کرد، اما در تربیت این طور نیست. باید به شکل مستمر، مخاطب را با موضوع تربیتی درگیر کرد. الان در آموزش «تفکر و سواد رسانه‌ای» به کتاب پایه دهم بسنده شده است، در صورتی که این موضوع باید در تمامی پایه‌های تحصیلی با جزئیات و تفصیل مطرح باشد. مثلاً در کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی می‌توان در یک درس متنی مرتبط با موضوعات رسانه‌ای قرار داد. در کتاب‌های دینی می‌توان یک فصل یا درس را به موضوع «دین و رسانه» اختصاص داد و این ایده‌ها را در سال‌های گوناگون تحصیلی پخش کرد. کما اینکه الان این اتفاق به شکل محدود و کم‌رنگی در برخی کتاب‌های مطالعات اجتماعی افتاده است. ولی جای رویکرد دینی با هدف تکمیل تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی خالی است.

مجموع این چهار مانع، اگر برطرف شود، می‌توان تا حدودی به حرکت رو به جلوی تربیت رسانه‌ای در ساحت اعتقادی، عبادی و اخلاقی امیدوار بود.

**از شما ممنونم که در این گفت‌وگو شرکت کردید. امیدوارم در فعالیت‌های تبلیغی و آموزشی خود موفق باشید.**

**این نکته شما خیلی برای من دلپذیر است. چون ما هم در بحث‌ها و پژوهش‌ها به همین رسیده‌ایم که انتظار تربیت رسانه‌ای دانش‌آموزان، بدون همراه کردن خانواده، انتظار بی‌جایی است. بچه‌ها در مدرسه که با رسانه‌ها دمخور نیستند، در خانه و در کانون خانواده به انواع رسانه‌ها سرگرم هستند.**

فقط هم موضوع رسانه‌های نوین نیست. کتاب و رمان هم مهم است. خانواده در شکل‌گیری عادت‌های رسانه‌ای بچه‌ها نقش اصلی را دارد. با این فرض دیگر نمی‌شود «انجمن اولیا و مربیان» را در حاشیه نگه داشت. متأسفانه آموزش و پرورش، آموزش خانواده‌ها را وظیفه خودش نمی‌داند و این کار را با منت انجام می‌دهد. حتی اگر فرض کنیم روزی هم به ضرورت و الزام این کار برسد، مربیان و راهنمایان کافی و جامع برای تربیت خانواده‌ها در اختیار ندارد. حتی بسیاری از افرادی که در این سال‌ها به‌عنوان مشاور و مربی خانواده فعالیت کردند، دستشان از محتوا و روش‌های صحیح تربیت رسانه‌ای در بستر خانواده خالی است.

**آیا نمی‌شود بخشی از این کار را به خود رسانه‌ها سپرد تا برخی الزامات شرعی و اخلاقی حضور در فضای رسانه‌ها را ترویج و تبلیغ کنند؟**

برای شکل‌گیری تربیت صرفاً انتقال آموزه‌های علمی کفایت نمی‌کند. علاوه بر آن، ترویج رسانه‌ای معمولاً مقطعی و دفعی است. همین‌جا وارد مانع چهارم بشوم و آن «استمرار نداشتن آموزش و تربیت

